

## ملا محسن فیض کاشانی

نصرت الله محمد حسینی

### ۱- شرح حیات

نام اصلی جناب فیض محمد<sup>۱</sup> و نام پدرش شاه مرتضی بوده است. فیض در سال ۱۰۰۶ هجری قمری (۱۵۹۷ میلادی) و به احتمال قوی در کاشان تولد یافت. پدرش شاه مرتضی در شهر کاشان دارای شهرت علمی و کتابخانه بزرگی بود و فرزندانش همه در معارف زمان صاحب مقام و عنوان شدند.<sup>۲</sup> در میان بستگان پدری و مادری فیض نیز تنی چند از فقهاء و فضلاء برجسته شیعی برخاسته‌اند. جناب فیض که به ملا محسن و یا مولی محسن شهرت گرفته است پس از آموختن مقدمات عازم شیراز گردید و نزد دو استاد بزرگ عصر خویش سید ماجد بحرانی (درگذشته به سال ۱۰۴۸ هجری قمری برابر با ۱۶۳۸ میلادی)<sup>۳</sup> و محمد بن ابراهیم معروف به ملا صدرا و نیز صدرالمآلهین (درگذشته به سال ۱۰۵۰ هجری قمری برابر با ۱۶۴۰ میلادی) به تحصیل فقه و دیگر معارف اسلامی و نیز فلسفه پرداخت. ملا صدرا که استعداد عظیم فیض را در آموختن فلسفه و مباحث عرفانی دریافت بدو لقب فیض داد و نامبرده را به دامادی خویش پذیرفت. صدریه دختر ملا صدرا و همسر فیض به غایت جمال و کمال آراسته بود. ملا صدرا به داماد دیگر خویش عبدالرزاق لاهیجی نیز لقب فیاض داده است. ملا محسن فیض اگرچه از محضر استادان دیگری چون شیخ محمد بن حسن شهید ثانی، خلیل قزوینی و محمد صالح مازندرانی (همه از شاگردان شیخ بهائی) نیز استفاده کرده است<sup>۴</sup> و لکن شاگرد مخصوص ملا صدرا محسوب گردیده زیرا بیش از همه از محضر

آن استاد فیض برده است. فرزند فیض ملاً محمّد علم الهدی<sup>۵</sup> نیز از علمای بزرگ زمان خویش و صاحب تألیفات متعدّده بوده است. ملاً محسن فیض کاشانی در سال ۱۰۹۰ هجری قمری (حدود ۱۶۸۰ میلادی) در کاشان درگذشت. آرامگاه او در شهر مذکور محلّ زیارت همگان از مردم عارف و عامی است. تکیه فیض در اصفهان و مدرسه فیضیه در شهر قم به یاد او تسمیه گردیده است.

## ب - شرح آثار

از ملاً محسن قریب هشتاد اثر باقی مانده<sup>۶</sup> که مجلّات متعدّده از آن (و برخی بارها) به طبع رسیده است.<sup>۷</sup> آثار فیض حاوی مباحث مختلفه در باب تفسیر قرآن شریف، سلوک و عرفان، فلسفه، اخلاق، فقه اسلام، مسائل نقلی اسلامی، حدیث‌شناسی و رجال‌شناسی است. فیض در زمینه هیئت نیز آثاری دارد و اشعاری از وی به یادگار مانده است. برخی از اهمّ آثار فیض عبارتند از: ۱- کتاب صافی که در تفسیر قرآن شریف است. فیض کتاب دیگری در تفسیر تحت عنوان اصفی تألیف نموده که به حقیقت منتخب صافی است. ۲- علم الیقین که توضیح معتقدات اسلامی بر پایه قرآن شریف و سنت رسول اکرم است. فیض یک بار این کتاب را تحت عنوان کتاب المعارف و بار دیگر با عنوان انوار الحکمة تلخیص نموده است. ۳- عین الیقین فی اصول الدین یا الانوار و الاسرار که در آن اصول دین را با دلائل فلسفی و عقلی و نیز مکاشفات ذوقی تشریح نموده است. این کتاب را نیز تحت عنوان اصول المعارف تلخیص کرده است. ۴- کلمات مکنونه در عرفان و حکمت. فیض این کتاب را تحت عنوان کلمات مخزونه تلخیص نیز نموده است. همچنین کتاب دیگری تحت عنوان الآلآلی المستخرجة من الکلمات المکنونة تألیف نموده که به حقیقت منتخبی از کلمات مکنونه است. ۵- وافی که منتخب جامعی از کتب اربعه شیعی و مبین احاطه کم نظیر فیض بر روایات اسلامی است. کتاب شافی فیض تلخیص کتاب وافی است. ۶- المحجّة البیضاء فی احیاء کتاب الاحیاء که در توضیح کتاب احیاء علوم الدین امام محمّد غزالی است. فیض در این کتاب محتوای کتاب غزالی را با استناد به روایات اسلامی به اصطلاح خود تهذیب نموده و یا به رنگ شیعی امامی درآورده است. ملاً محسن کتاب دیگری تحت عنوان کتاب الحقائق تألیف نموده که به حقیقت تلخیص المحجّة البیضاء است. ۷- اصول العقائد در تشریح اصول پنجگانه دین اسلام. ۸- تشریح العالم در توضیح هیئت عالم و حرکات افلاک و نیز اجسام و ارواح و کیفیات آنها. ۹- رساله غناء. ۱۰- التذکرة در حکمت الهی. ۱۱- الکلمات الطریفه در بیان منشأ اختلافات در عالم اسلام. ۱۲- کتاب الانصاف حاوی سرگذشت مجاهدات علمی و عرفانی فیض. کتاب هدیه الاشراف فیض تلخیص کتاب الانصاف است. ۱۳- معتصم الشیعة در بیان معتقدات شیعی. ۱۴- تنفیس الهموم حاوی مثنویات فیض. ۱۵- مجموعه دیگر اشعار او که حاوی برخی از قصائد، غزلیات، رباعیات و قطعات است. از دیگر آثار او الاق المبین، الامالی، الجبر و الاختیار، جلاء العیون، حاشیه بر روضح سماویة میر داماد، مفاتیح الشرائع، کتاب التوحید، التخبه، غنیة الانام و تقویم المحسنین

را توان نام برد.<sup>۸</sup>

تفسیر صافی و کتاب کلمات مکنونه از جمله آثار فیض است که بارها به طبع رسیده است و نگارنده برای بیان اصول عقاید او از دو مأخذ مذکور بهره فراوان گرفته است. تفسیر صافی که به عربی نگارش یافته از اهم تفاسیر علماء شیعی بر قرآن شریف است. فیض که اخباری بوده آیات قرآن شریف را به استناد روایات متعدده یک یک تفسیر نموده و اثر ارزنده‌ای به وجود آورده است. نگارنده از طبع اخیر تفسیر صافی استفاده نموده که در پنج مجلد در طهران در مکتبه الصدر به سال ۱۳۷۴ شمسی انتشار یافته است. عنوان کامل کلمات مکنونه الکلمات المکنونه من علوم اهل الحکمة و المعرفة است. این کتاب به احتمال قوی در ایام جوانی فیض تألیف گردیده و محتوای آن مبتنی بر روش اهل طریقت و عرفان و نیز مبانی حکمت عصر مؤلف است.<sup>۹</sup> فیض در آخر کتاب توضیح می‌دهد که اثر مذکور شامل یکصد کلمه است و خداوند او را بر تألیف آن مدد کرده است. فیض می‌نویسد که در کلمات مکنونه به نقل کلمات عارفین پرداخته و آن کلمات را با بیانات ائمه معصومین توشیح نموده است.<sup>۱۰</sup> مؤلف در این کتاب علاوه بر درج آیات قرآن شریف و خطب حضرت علی علیه بهاء الله به نقل احادیث متعدده مرویه در کتب اربعه شیعی و سایر کتب حدیث پرداخته است. برخی از احادیث به ویژه روایات غیر مشهور که در آثار طلعات مقدسه بهائیه خصوصاً حضرت ربّ اعلی نقل گشته در این کتاب آمده است. فیض همچنین به نقل اشعار شاعران نامی ایران زمین چون سنائی، مولوی، حافظ، شیخ محمود شبستری، عراقی و عرفی پرداخته و گاه اشعار خویش را نیز در کتاب آورده است. نسخه مورد استفاده نگارنده از کتاب کلمات مکنونه طبع سال ۱۳۶۰ شمسی در طهران (انتشارات فراهانی) و تصحیح و تعلیق عزیزالله عطاردی قوچانی است.

### پ - شرح عقائد

ملا محسن فیض کاشانی حکیم و عارف است و در حکمت و عرفان بی‌تردید از مکتب ابن العربی محیی‌الدین<sup>۱۱</sup> متأثر گشته است. جمال اقدس ابهی در لوح مبارک سلمان در ضمن اقوال عارفان در باب تکوّن اعیان ثابته در ذات حضرت رحمن می‌فرماید: «چنانچه ابن عرب در این مطلب شرحی مبسوط نوشته و حکمای عارفین و متأخرین به مثل صدر شیرازی و فیض و امثالهما در رضراض ساقیه ابن عرب مشی نموده‌اند»<sup>۱۲</sup> تأثر فیض از عقائد استاد خویش صدرالدین شیرازی (ملا صدرا) نیز مسلم است. ابن العربی به وحدت وجود در معنای وحدت خالق و مخلوق اعتقاد داشت. ملا صدرا نیز از افکار ابن العربی (محیی‌الدین) متأثر است. ملا صدرا به شرحی که خارج از حوصله این مقال است دو مکتب اشراق و مشاء را به هم آمیخته و مکتب جدیدی تحت عنوان حکمت متعالیه پدید کرده است.<sup>۱۳</sup> از سوی دیگر بر اثر ترس از علماء و فقهاء شیعی تلاش نموده که شرع و حکمت را موافقت بخشد و در این باب توفیقاتی یافته و لکن گاه از این اصل کلی روی بر تافته

است. ملاً صدرا از فرضیه حرکت جوهری ماده استفاده نموده و به زعم خویش معاد جسمانی را اثبات نموده است. ضمن بررسی عقائد فیض کاشانی تأثر شدید او را از دو حکیم و عارف یاد شده (ابن عربی و ملاً صدرا) به خوبی توان دریافت. عقائد فیض را تحت چهار عنوان: عرفان (mysticism)، بودشناسی (ontology)، معادشناسی (eschatology)، قرآن شناسی و یا تفسیر قرآن (Quranic exegesis) چنان که معمول غالب پژوهشگران غربی است در کمال اختصار مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱- عرفان: عرفان در لغت به معنای شناخت و در اصطلاح شناخت حق است از طریق کشف و شهود. تصوّف یا صوفیگری از شعب عرفان است. لذا چه بسا از عارفان که صوفی بوده‌اند. جناب فیض از عارفان است و لکن صوفی در مفهوم تنگ و مضیق خود نیست. فیض تنها حکیم نبوده است که استدلال عقلی را پایه شناخت حقیقت سازد. وی از مکاشفه و مشاهده نیز برای وصول به حقیقت مدد گرفته است. اما از متصوّفان یا متظاهران به سیر و سلوک تبری جسته است. این نکته از آثار فیض و از جمله دو کتاب کلمات مکنونه و کلمات الطریفة مستفاد می‌شود. به نظر فیض اساس خلقت حب است. <sup>۱۴</sup> حقیقت مظهر الهی قدیم (pre-existent) است. <sup>۱۵</sup> مظهر الهی انسان کامل و جامع جمیع کمالات الهی است. <sup>۱۶</sup> استمرار ظهورات از بدیهیات است. <sup>۱۷</sup> متأسفانه فیض در این باب کوتاه می‌آید و ظهور رسول اکرم را غایت این تکامل می‌خواند. <sup>۱۸</sup> به هر حال فیض تصریح می‌نماید که زمین هرگز خالی از حجت نیست و در آخرت نیز تجلیات الهیه در انسان کامل است، <sup>۱۹</sup> اگرچه آنچه می‌گوید در لباس حکمت و تحفظ مستور است. باید توجه داشت که عقائد فیض اگرچه در ماهیت مبتنی بر نوعی عرفان یا سلوک عرفانی است و لکن شیوه‌های عارفانه خویش را بر پایه موازین شریعت استوار ساخته است. در این باب گاه توفیق یافته و گاه چون تلاش برای تطبیق شرع و حکمت ناکام گشته است. محتوای کتاب محبّة البیضاء فیض شاهد صدق این مدّعاست.

۲- بودشناسی: در عقیدت فیض جهان هستی قدیم است و این قدم ذاتی است. یک جهان یا یک وجود بیش نیست و آن خیر محض است و در وجود شرّ نیست. <sup>۲۰</sup> کثرات موجوده مظاهر وجود واحدند. به عبارت دیگر تجلی حق در مخلوقات تجلی ظهوری است. <sup>۲۱</sup> تجلی ظهوری حق نکته‌ای است که در آثار طلعات مقدسه بهائیه مورد تأیید قرار نگرفته است. به استناد آن بیانات مبارکه خصوصاً توضیح حضرت عبدالبهاء در مبحث وحدت وجود در کتاب مفاوضات (صص ۲۱۴-۲۱۸) تجلی حق در مخلوقات تجلی صدور است و نه ظهوری. به فرموده مبارک معتقدان به وحدت وجود جمع مخلوقات را وجود خالق دانند و یا وجود حقیقی را منحل در صور نامتناهی خوانند. می‌فرمایند: «معتقدین وحدت الوجود را اعتقاد چنین که وجود حقیقی به منزله دریاست و جمیع کائنات مانند امواج. این امواج که عبارت از کائناتست صور نامتناهی آن وجود حقیقی است. پس حقیقت مقدسه بحر قدمست و صور نامتناهی کائنات امواج حادثه.» (مفاوضات، ص ۲۱۴). به استناد

بیانات حضرت عبدالبهاء در خصوص تجلی صدوری (مفاوضات، ص ۲۱۷) یک وجود است و آن وجود حق است و خلق از حق صادر گشته است بی آنکه در وجود حق نقصانی راه یابد. وحدت وجود و بسیط الحقیقه در این معنی عقیدت اهل بهاء است و لکن به نوعی که هواخواهان مکتب وحدت وجود و از جمله فیض کاشانی گفته‌اند عاری از حقیقت است زیرا اعتقاد آنان ذات قدم را حادث نموده و کمال محض را نقص صرف کرده است.<sup>۲۲</sup> به دلیل عقیده وحدت وجود فیض بود که جناب شیخ احمد احسائی او را در آثار خویش مُسیء به جای مُحسن و ابن العربی محیی‌الدین را ممیت‌الدین نامید.

۳- معادشناسی: مراد از معادشناسی بحث در خصوص مسائلی چون قیامت یا معاد، مرگ و حیات و دوزخ و بهشت است. جناب فیض اخباری است و اجتهاد را جائز نمی‌داند و عقیده دارد که اهل اجتهاد ولو از برجسته‌ترین فقیهان و قرآن‌شناسان باشند از وصول به مرحله نجات محرومند. شجاعت فیض در بیان بسیاری از نکات دقیقه لطیفه مندرجه در شریعت اسلام قابل توجه است. چنان که بر خلاف رأی غالب فقیهان شیعی غناء را حلال می‌داند و رساله‌ای نیز در این باب تألیف کرده است. وی به خلود کافران در عذاب دوزخ به نوعی که اکثریت علماء اسلام عقیده دارند باور ندارد. اما در زمینه معادشناسی گاه رعایت کمال حکمت و تحفظ را نموده و جرأت اظهار حقائق نداشته است. اگرچه هر پژوهشگر هوشمند با بررسی بیانات و مقالات او درمی‌یابد که میل دل فیض به سوی تعبیرات جناب مولوی در باب مبحث قیامت و اصولاً معادشناسی بوده است. چنان که در کتاب کلمات مکنونه (ص ۱۴۷) ذیل کلمه قیامت مآلاً ظهور آن را در هر دور قیام انسان کامل دانسته و به قول مولوی استاد کرده است:

زاده ثانیست احمد در جهان	صد قیامت بود اندر او عیان
زو قیامت را همی پرسیده‌اند	کای قیامت تا قیامت راه چند
با زبان حال می‌گفتی بسی	که ز محشر حشر را پرسد کسی؟!

در ذیل کلمه صراط نیز آن را مآلاً انسان کامل (مظهر الهی) و مقام ولایت دانسته است. در خصوص دوزخ و بهشت نیز اگرچه به ظاهر گاه با عقیدت برخی از قشرون همراهی نموده و لکن سرانجام دوزخ را تعلق نفس به امور دنیا و در نتیجه اخذ غضب الهی و بهشت را به عکس در جلب رحمت الهی دانسته است (کلمات مکنونه، صص ۱۶۸-۱۷۲). در بحث از اجساد و ارواح، عالم مثال، برزخ و اعراف، تماسخ و تناسخ، قضا و قدر، بداء و جبر و اختیار مقالاتی دارد که باید دقیقاً نقد و ارزیابی شوند. جوهر عقیدت فیض در باب مسائل مذکور گویای مشرب عرفانی اوست. و لکن رعایت حکمت و تحفظ در بیان آن مسائل کاملاً مشهود است و گاه آدم سطحی و بی‌حوصله تصور می‌کند که با یک عالم مشرّع شیعی رو به روست تا یک حکیم عارف آزاده. و لکن جان کلام در شعر منقول فیض در کلمات مکنونه است:

آن کس که ز شهر آشنائی است      داند که متاع ما کجائی است

به هر حال جناب فیض در مباحث آخر کتاب کلمات مکنونه به اثبات ولایت حضرت علی و اولاد بزرگوار آن حضرت می‌پردازد و سپس در صفحات متعدده صلاحیت مقام رسالت و ولایت را در تأویل قرآن شریف بیان می‌کند و صلاحیت علماء را در این باب ردّ می‌نماید. وی تصریح می‌نماید که نفوس واجد شرائط مخصوص صلاحیت تفسیر قرآن شریف دارند آن هم به استناد اخبار و روایات وارده.

۴- تفسیر قرآن شریف: جناب فیض در شیوه تفسیر قرآن با جناب مولوی همناست که گفت: «معنی قرآن ز قرآن پرس و بس.» اما همان طور که قبلاً معروض گردید جناب فیض اخباری است و در تفسیر قرآن شریف علاوه بر متن قرآن به اخبار وارده نیز استناد می‌نماید. در دیباچه صافی تصریح می‌نماید که تفسیر قرآن به استناد اقوال ائمه معصومین انجام یافته و بیان رسول اکرم را نقل نموده که فرموده است: «هر کس قرآن را به رأی خویش تفسیر نماید ولو سخن صواب گوید خطاء کرده است.» (مفاد بیان).<sup>۲۳</sup> تفسیر صافی شامل یک دیباچه و دوازده مقدمه است. در این مقدمات مسائلی چون لزوم تمسک به قرآن و فضل آن صحیفه مکرمه؛ اختصاص علم قرآن به ائمه معظمه؛ معانی وجوه آیات قرآن از تفسیر، تأویل، ظهر و بطن، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ؛ منع از تفسیر به رأی؛ مبحث اختلاف در قرائت قرآن؛ زمان نزول، ثواب حفظ و تلاوت قرآن و آداب آن آمده است. تفسیر صافی اگرچه اصولاً با تفاسیر طلعات مقدسه بهائیه از آیات و سور قرآن شریف متفاوت است ولیکن حاوی نکاتی است که در تفاسیر اسلامی دیگر کم‌تر به چشم می‌خورد و در میدان ابلاغ امرالله به پیروان شریعت مقدسه اسلامی به کرات می‌توان به محتوای آن استناد نمود، زیرا فیض بسیاری از دقائق مندرجه در این صحیفه شریفه را به خوبی دریافته و روایات مناسب را در ذیل هر آیه از قرآن شریف آورده است. در مسائلی چون معنای صراط (مجلد نخست، صص ۸۴-۸۵ و ۸۷)، حروف مقطعه قرآن و حدیث ابولبید و سال ظهور قائم (مجلد نخست، صص ۹۰-۹۱)، موضوع لقاء الله در یوم قیامت و اینکه وصول به لقاء مظهر الهی و لقاء یوم بعث است (مجلد نخست، صص ۱۲۶، مجلد دوم، صص ۱۱۵ و ۱۷۱ و مجلد چهارم، صص ۹ و ۱۱۱)، معنای حقیقی اسلام (مجلد نخست، صص ۱۹۰-۱۹۱، ۳۲۲ و ۳۵۳)، معنای امامت حضرت ابراهیم مذکور در سوره بقره (مجلد نخست، صص ۱۸۷)، معنای سیاه و سپید شدن وجوه ناس در یوم قیامت (مجلد نخست، صص ۳۶۸)، کیفیت استبدال قوم عرب به عجم یعنی قوم سلمان فارسی (جلد نخست، صص ۵۰۹)، طلوع شمس از مغرب و ظهور قائم (جلد دوم، صص ۱۷۳)، معنای تمامیت کتاب حضرت موسی (جلد دوم، صص ۱۷۱)، معنای امی بودن رسول اکرم (جلد دوم، صص ۲۴۲-۲۴۳)، اینکه تأویل قرآن با قائم است (جلد دوم، صص ۳۳۸)، معنای کوثر (جلد پنجم، صص ۳۸۲-۳۸۳)، معنای نهار مندرج در سوره لیل و اینکه مراد قائم موعود است (جلد پنجم، صص ۳۳۶)، معنای شمس و قمر در سوره شمس و اطلاق شمس به

رسول اکرم و قمر به مقام ولایت (جلد پنجم، ص ۳۳۳)، معنای عبارت «جاء ربك» در سوره فجر که «جاء امر ربك» است (جلد پنجم، ص ۳۲۶) و صدها نکته دیگر می توان به تفسیر صافی استناد نمود.

## یادداشت‌ها

- ۱- موسوی خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات (قم: بی ناشر، بی تاریخ)، ج ۶، ص ۷۹ و نیز فیض، کلمات مکتونه (طهران: انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰ ه ش)، ص یک.
- ۲- صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات ایران، چاپ ششم (طهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۰ ه ش)، ج ۵ (بخش اول)، ص ۳۲۹.
- ۳- حلبی، علی اصغر، تاریخ فلاسفه ایرانی از آغاز اسلام تا امروز، چاپ دوم (طهران: زوار، ۱۳۶۱ ه ش)، ص ۵۵۱.
- ۴- صفا، تاریخ ادبیات ایران، ج ۵ (بخش اول)، ص ۳۳۰.
- ۵- وفات او را در فاصله سال‌های ۱۱۱۲-۱۱۲۳ هجری قمری (۱۷۰۰-۱۷۱۱ میلادی) نوشته‌اند.
- ۶- از جمله رجوع فرمایند به:
  - الف - موسوی خوانساری، روضات الجنات، ج ۶، ص ۸۷.
  - ب - صفا، تاریخ ادبیات ایران، ج ۵ (بخش اول)، ص ۳۳۰.
  - پ - حلبی، تاریخ فلاسفه ایرانی، ص ۵۵۳.
  - ت - نعمه، عبدالله، فلاسفه شیعه، ترجمه جعفر غضبان (طهران: سعید نو، ۱۳۶۷ ه ش)، ص ۵۰۰.
- ۷- برخی آثار فیض را بالغ بر یکصد تألیف دانسته‌اند (از جمله رجوع فرمایند به: اردبیلی، جامع الزوات، ج ۲، ص ۴۲). سید نعمت‌الله جزائری شاگرد فیض آثار استاد را در حدود دویست تألیف دانسته است (از جمله رجوع فرمایند به: موسوی خوانساری، روضات الجنات، ج ۶، ص ۹۳ و حلبی، تاریخ فلاسفه ایرانی، ص ۵۵۳).
- ۸- برای آگاهی بیشتر از آثار فیض کاشانی از جمله رجوع فرمایند به:
  - الف - موسوی خوانساری، روضات الجنات، ج ۶، صص ۷۹-۱۰۳.
  - ب - حرّ عاملی، محمد، امل الآمل (نجف: ۱۳۰۶ ه ق)، ج ۲، صص ۳۰۵-۳۰۶.
  - پ - صفا، تاریخ ادبیات ایران، ج ۵ (بخش اول)، صص ۳۳۳-۳۳۵.
  - ت - دهخدا، لغت نامه (طهران: سازمان لغت نامه، ۱۳۴۱ ه ش)، ج ۳۷ (ف - فرازی)، ص ۳۶۵.
  - ث - نعمه، فلاسفه شیعه، صص ۵۰۰-۵۰۱.
  - ج - حلبی، تاریخ فلاسفه ایرانی، صص ۵۵۳-۵۵۵.
- ۹- فیض، کلمات مکتونه، ص یک.
- ۱۰- عین بیان فیض کاشانی چنین است: «هذا آخر الكلام في الكلمات المکتونه و هي مائة كلمة اخرجها الله على يدي و انطق بها لسانی نقلاً من كلام العارفين و توشيحاً لاكثرها بكلمات الائمة المعصومين سلام الله عليهم اجمعين» (کلمات مکتونه، ص ۲۵۰).
- ۱۱- محبی‌الدین ابوبکر محمد بن علی حاتمی طائی اندلسی (۵۶۰-۶۳۸ هجری قمری برابر با ۱۱۶۵-۱۲۴۰ میلادی) حکیم، عارف و شاعر برجسته عرب صاحب بیش از دویست و پنجاه تألیف و از جمله دو کتاب معروف فتوحات مکیّه و فصوص الحکم است. به نام و تألیفات و عقائد او در آثار طلعات مقدسه بهائیه خصوصاً حضرت ربّ اعلی اشاره گردیده است. حضرت باب عقیده وحدت وجود او را مردود دانسته‌اند. برای اطلاع بیشتر از جمله رجوع فرمایند به پژوهش جناب دکتر وحید رافعی مندرج در کتاب محبوب عالم (از انتشارات مجله عندلیب) طبع سال ۱۹۹۳

- در کانادا، صص ۱۳۹-۱۵۷.
- ۱۲- مجموعه الواح مبارکه حضرت بهاء الله (قاهره: سعاده، ۱۹۲۰ م)، ص ۱۴۰.
- ۱۳- ملاً صدرا افکار فلسفی خود را خصوصاً در کتاب الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة توضیح داده است.
- ۱۴- فیض، کلمات مکتونه، صص ۸۵-۸۹.
- ۱۵- مأخذ بالا، ص ۷۰.
- ۱۶- مأخذ بالا، صص ۱۱۶-۱۲۱، ۱۲۸ و ۱۸۶-۱۸۸.
- ۱۷- مأخذ بالا، ص ۱۸۷.
- ۱۸- عیناً مأخذ بالا. عین بیان فیض در خصوص تکامل وحی چنین است: «... تمهد بآدم علیه السلام و لم تزل تنمو و تکمل حتّی بلغ کمالها الی نبینا صلی الله علیه و آله ولهذا کان خاتم النبیین».
- ۱۹- مأخذ بالا، ص ۱۳۱.
- ۲۰- مأخذ بالا، صص ۸۱-۸۳.
- ۲۱- مأخذ بالا، صص ۲۴-۲۵، ۲۷، ۳۷، ۳۹-۴۱، ۹۴-۹۵ و ۱۱۳-۱۱۴.
- ۲۲- در این مقاله مختصر فرصت بحث در عقیدت مکتب وجود در باب کون اعیان ثابتة در ذات نیست. برای آگاهی بیشتر در خصوص نظر اهل بهاء از جمله رجوع فرمایند به تفسیر کنت کنت اثر قلم حضرت عبدالبهاء و مفاوضات مبارک ذیل وحدت وجود.
- ۲۳- عین بیان رسول اکرم چنین است: «من فسّر القرآن برأیه فاصاب الحقّ فقد اخطأ» (صافی، ج ۱، ص ۸).